فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره چهارم (پیاپی ۳۴)، زمستان ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http: //serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۳۸-۲۱۷

شناسایی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان آبادان

بهمن خسروی‌پور *؛ استاد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز. ایران.
مریم طهماسبی؛ مدیرکل دفتر آموزش بهره‌برداران و مشاغل کشاورزی، مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.
مریم عامری؛ کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات و فناوری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز. ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر به شناسایی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی از دیدگاه اعضا صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی در شهرستان آبادان پرداخته است. این مطالعه کاربردی بوده و به روش پیمایش توصیفی بر روی نمونه ۱۰۰ نفری از اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی آبادان انجام‌شده است. به‌منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته تهیه و طی سه مرحله با اعمال نظرات متخصصان موضوعی، روایی آن تأیید گردید. به‌منظور تعیین پایایی ابزار تحقیق نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن ۰/۸۳ به دست آمد. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۳۷ متغیر به‌عنوان عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر اقدامات کارآفرینانه اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی شناسایی شد، که با بررسی وضعیت این متغیرها در شرایط حال حاضر زنان روستایی، این نتیجه حاصل شد که هیچ‌یک از متغیرهای شناسایی‌شده در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. به‌طوری‌که بالاترین امتیاز، ۲/۸۰، مربوط به اقدامات انجام‌شده در حوزه بسترسازی در جامعه و آماده‌سازی خانواده‌ها و جامعه جهت تشویق زنان به تولید و اشتغال بود. افزون بر این، نمونه موردمطالعه در اولویت‌بندی وضعیت مطلوب متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار، ایجاد و توسعه مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی، ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید و دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات موردنیاز، دانش و فناوری‌ها را سه اولویت نخست خود برشمردند. همچنین بر اساس نتایج آزمون تحلیل عاملی نیز متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی در پنج دسته عوامل زیرساختی‌ـ نهادی، آموزشی، فنی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی شدند که درمجموع، این عوامل حدود ۶۷ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌نمودند.

واژگان کلیدی: توسعه کارآفرینی، کارآفرینی زنان روستایی، صندوق‌های اعتباری خرد روستایی، آبادان.

* Khosravipour@Asnrukh.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

۱) مقدمه

هدف تمامی کشورهای درحال‌توسعه، دستیابی به اشتغال، رفاه اجتماعی و توسعه پایدار به‌منظور برطرف کردن فقر و بیکاری و نیل به سعادت انسانی آن جوامع است. ازاین‌رو، دولت‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی موجود، نظریات و الگوهای مختلفی از رشد و توسعه را در دستور کار خود قرار داده‌اند (زینلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰)

توسعه روستایی نیز به‌عنوان یک راهبرد کلان به‌منظور تحقق توسعه ملی، بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان و تلاشی همه‌جانبه برای فقرزدایی در بین جوامع روستایی محسوب می‌گردد. تحقق این مهم بیش از هر چیز درگرو توسعه منابع انسانی است (Haider et al, 2017: 32). اما تضمین‌کننده موفقیت هر نوع برنامه توسعه‌ای، مشارکت مردمی به‌طور اعم و مشارکت زنان به‌طور اخص، است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸).

تجارب بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه نشان می‌دهد که نیل به اهداف توسعه ازجمله توسعه‌ی روستایی، درگرو توجه به جایگاه و نقش زنان به‌عنوان بخشی از نیروی فعال کار جامعه می‌باشد که مجموعه این اقدامات، توسعه اقتصادی و سیاسی را به دنبال خواهد داشت (Ghani, 2014: 31). افزون بر این با توجه به خیل عظیم جمعیت بیکار در مناطق روستایی به‌ویژه زنان روستایی، پایه‌ریزی مشاغل کوچک خانگی با بهره‌گیری از خلاقیت‌های فردی آنان، اتکا به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جوامع روستایی، فرصت‌های جدید، اشاعه و تقویت نوآوری‌های سازگار با شرایط جوامع محلی (Kelley et al, 2017: 35)، یکی از اولویت‌های مهم استراتژی‌های توسعه به شمار آمد که در توانمندسازی مردم محلی، کاهش فقر و بهبود معیشت خانوارهای روستایی می‌تواند سهم بسزایی داشته باشد (Welter, 2011: 44).

در آغاز هزاره سوم، به‌منظور فقرزدایی از مناطق محروم روستایی و عشایری و حمایت از زنان ساکن در این مناطق، طرح‌ها و برنامه‌های توانمندساز با محوریت کارآفرینی و اشتغال موردتوجه جدی مجامع ملی و بین‌المللی واقع شد. در این گذار، کارآفرینی روستایی و خوداشتغالی در بخش کشاورزی به‌عنوان اصلی‌ترین و سریع‌ترین راهبرد رشد و توسعه روستایی موردتوجه واقع شد (Amidzic et al, 2014: 26). به تعبیر دیگر، به نظر اکثر صاحب‌نظران توسعه روستایی، کارآفرینی به‌عنوان راهبردی کلیدی برای جلوگیری از تخلیه مناطق روستایی، ازنظر کشاورزان، به‌عنوان ابزاری برای افزایش درآمد کشاورزی، از منظر زنان، به‌عنوان یک گزینه شغلی در نزدیکی محل زندگی آنان بوده که می‌تواند برای این افراد، استقلال و درآمد فراهم نماید (Akgün et al, 2010: 24). امروزه کارآفرینی به‌عنوان یکی از شقوق توسعه روستایی و بازمهندسی ساختار اقتصاد روستا تلقی می‌شود، زیرا کارآفرینی با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نوآوری و ایجاد رفاه، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها خواهد داشت (خسروری‌پور و همکاران، ۵: ۱۳۹۵). بر همین اساس، مطالعات مرتبط با کارآفرینی روستاییان و توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی محور در محیط‌های روستایی از یکسو و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرآیند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن از سوی دیگر، از اهمیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

ویژه‌ای برخوردار است (قادرمرزی و همکاران، ۱۵: ۱۳۹۴). حمایت از راه‌اندازی پروژه‌های اشتغال‌زا باهدف افزایش تاب‌آوری اقتصادی روستاییان در برابر بحران‌های اقتصادی نوظهور، مانند تحریم‌ها می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان، بهبود کیفیت زندگی آنان، توسعه پایدار روستایی(سجاسی قیداری و یاراحمدی، ۱۱: ۱۳۹۹)، تأمین امنیت غذایی، توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی، از طریق تسریع در فرآیندهای سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان‌های مالی و پس‌انداز دارد (Pigford et al, 2018: 41).اندیشه غالب بر این اساس استوار است که توسعه و گسترش پرداخت منابع مالی از طریق تجمیع سرمایه‌های اندک محلی و مدیریت بهینه این منابع جهت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای خرد و پایدار، از طریق افزایش قابلیت کارآفرینی، منجر به توسعه مناطق محروم می‌شود (Alvarez and Barney, 2014: 25).

دراین‌بین حمایت از سرمایه‌گذاری‌های پولی و مالی محلی و هدایت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال روستایی، به‌منظور راه‌اندازی صندوق‌های اعتباری خرد راهکاری اساسی و مناسب به نظر می‌رسد. تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد به دو دلیل اهمیت دارد. نخست آن‌که معمولاً اعتبارات بانکی به‌خصوص در کشورهای درحال‌توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی‌شود و دیگر آن‌که عواملی مثل وجود قدرت‌های انحصاری و یا بالا بودن نرخ بهره بانکی باعث شده است تا منابع مالی غیررسمی نیز نتوانند اعتبارات لازم را در اختیار قشر فقیر جامعه قرار دهند (نامجویان شیرازی، ۲۱: ۱۳۹۳). صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی به حساب‌های پس‌اندازی اطلاق می‌شود که با سرمایه محدود و پس‌انداز اندک زنان روستایی در یک بازه زمانی حداقل شش‌ماهه شکل‌گرفته و انواع خدمات مالی و بانکی را باهدف دسترسی زنان کم‌درآمد به منابع اعتباری، در دسترس آنان قرار می‌دهد. این خدمات، زمینه‌ساز افزایش مشارکت زنان و ایجاد کسب‌وکارهای کوچک باهدف ارتقای رفاه آن‌ها می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۶: ۱۳۹۷). گزینه‌ای مناسب که منجر به افزایش درآمد روستاییان و اقشار کم‌درآمد با رویکرد ترویج و ترغیب مردم محلی به کارآفرینی (یعقوبی فرانی و سلیمانی، ۲۳: ۱۳۹۴)، کاهش مهاجرت به شهرها و مهاجرت معکوس از طریق اشتغال‌زایی، ارتقاع زیرساخت‌ها و سطح کیفی زندگی در روستاها خواهد شد(Lourenço et al, 2014: 38). توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی زنان روستایی، راهکاری مناسب در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی باهدف تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی (Cobb et al, 2016: 29 & Bogdanovic, 2017: 28)، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، نهادی، آموزش و فرصت کسب‌وکار است (Sharma, 2016: 43).

باوجود تلاش‌های فراوان و انجام مطالعات متعدد در حوزه کارآفرینی اما هنوز تا دستیابی به وضعیت مطلوب راهی طولانی در پیش است. بی‌تردید پیشبرد فرآیند توسعه کارآفرینی زنان روستایی بدون انجام مطالعات میدانی خاص مکانی و شناسایی دقیق عوامل اثرگذار بر این جریان به فراخور شرایط مختلف پیرامونی آن در هر نقطه از کشور امکان‌پذیر نخواهد بود که اهمیت این موضوع، در نقاط محروم دوچندان می‌نماید. نظر به موارد فوق و باهدف کمک به غنای ادبیات نظری موضوع کارآفرینی زنان روستایی در کشور، همچنین با توجه به اهمیت مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی برای تسریع و تسهیل در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

فرآیند توسعه روستاها به‌ویژه در نقاط دور از مرکز، این پژوهش بر آن است تا به شناسایی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضاء و ارکان صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی شهرستان آبادان به‌عنوان کارآفرینان روستایی بپردازد. کسب‌وکارهایی که بیشتر کشاورزی محور بوده و اساس فعالیت‌های زنان را تشکیل می‌دهند.

ازجمله اقدامات اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی این شهرستان که در مطالعه حاضر به‌عنوان فعالیت‌های کارآفرینانه در نظر آورده شده‌اند، می‌توان به مواردی نظیر راه‌اندازی کسب‌وکارهای مختلف نظیر زراعت یونجه و کشت انواع سبزیجات، نانوایی محلی، شیرینی‌سازی سنتی، تولید صنایع‌دستی از ضایعات نخل و جانداران دریایی، پرورش دام سبک و سنگین، جوجه‌کشی با دستگاه، تولید و عرضه نیمچه بومی، کشت و پرورش قارچ صدفی، تولید ورمی کمپوست، تولید فرآورده‌های لبنی و بسته‌بندی یا فرآوری حبوبات، محصولات باغی و دریایی، اشاره نمود. بی‌گمان تأکید بر توسعه فعالیت‌های کشاورزی محور به‌عنوان مهم‌ترین رکن اقتصاد روستایی نقش بارزی در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی دارد و می‌تواند نقش به سزایی در کاهش وابستگی اقتصادی ایران به فرآورده‌های نفتی و پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی در مواجه با تحریم‌های اقتصادی داشته باشد (سجاسی قیداری و یاراحمدی، ۱۱: ۱۳۹۹).

۲) مبانی نظری

ازلحاظ خاستگاه تاریخی، طرح مسأله‌ی نقش زنان در توسعه، به تحولات بعد از جنگ دوم جهانی بازمی‌گردد. تا پیش از سال ۱۹۷۰ تصور بر این بود که توسعه، برزنان و مردان به‌طور یکسان اثر می‌گذارد. در این زمان نفوذ سرمایه‌داری منجر به مدرنیزاسیون و به دنبال آن موجب نابودی اقتصاد سنتی شد. این امر به‌نوبه خود، لطمات وارد برزنان جامعه را تشدید نمود. اعلام سال ۱۹۷۵ به‌عنوان «سال جهانی زن» و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل متحد، توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به‌منظور تلاش جهت رفع تبعیض از زنان به وجود آورد (Henshall Momsen, 2004: 33).

در اوایل دهه ۱۹۷۰، «دیدگاه زنان در توسعه» برای بهبود وضع تحصیلات، فرصت‌های اشتغال، مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی و فردی با تأکید بر این مسأله که زنان از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی محروم بوده‌اند، به وجود آمد. با توجه به آن‌که این دیدگاه به ساختارهای جنسیتی موجود توجه چندانی نداشت و بیشتر بر فناوری و همکاری زنان در طرح‌های معمول و در دست اجرا متمرکز بود، دیدگاه دیگری به نام نظریه‌ی "جنسیت و توسعه" در سال ۱۹۸۰ جایگزین آن شد. دیدگاه اخیر بیانگر رویکردهای فمینیستی‌ـسوسیالیستی بود که ارتباط میان ساختارهای خانواده و ساختارهای عمومی را بررسی می‌کرد تا علت تمایز میان این دو ساختار در مورد زنان را کشف کند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). درحالی‌که نظریه‌پردازی‌ها در خصوص جایگاه زنان در توسعه ادامه داشته است، رهیافت‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

متفاوتی که پس از جنگ دوم جهانی در تعریف محتوای برنامه‌های توسعه به نقش زنان پرداخته‌اند را، می‌توان در قالب پنج نظریه‌ی کلی به شرح ذیل مطرح نمود:

ـ نظریه‌ی رفاه: یکی از کهن‌ترین و متداول‌ترین سیاست‌های توسعه‌ی اجتماعی در مورد زنان می‌باشد. این نظریه به‌عنوان یک دیدگاه قدیمی، بر این پیش‌فرض استوار است که زنان به‌عنوان عوامل منفعل و کم‌توان در فرایند توسعه، مستحق دریافت کمک‌های خیریه هستند. این نظریه به‌طورکلی بر اساس سه فرضیه‌ی پایه شکل‌گرفته است. اول آن‌که زنان، عواملی منفعل در فرایند توسعه به شمار می‌آمدند. دوم آن‌که نقش مادرانه‌ی زنان به‌عنوان مهم‌ترین نقش اجتماعی آن‌ها تلقی می‌شد. دیگر آن‌که بچه‌دار شدن و تربیت فرزند، مؤثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه‌ی اقتصادی به شمار می‌آمد.

ـ نظریه‌ی برابری (عدالت): بر اساس این نظریه، علت عقب‌ماندگی زنان، نابرابری است. چنان‌که برابری، خود به توسعه می‌انجامد. این نظریه، زنان را شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه برمی‌شمارد که از طریق ایفای نقش‌های تولیدی، سهم بسیار مهم و اغلب ناشناخته‌ای در رشد اقتصادی بر عهده‌دارند. به‌گونه‌ای که تنها کافی است که زنان از طریق معرفی به بازار کار و استخدام همچون مردان، با امکانی برابر وارد فرایند توسعه شوند تا پتانسیل‌های آنان امکان بروز بیشتری پیدا کند و از راه تبدیل به کار، مشکلاتشان را حل نماید. توجه اولیه‌ی این نظریه، به عدم‌تساوی بین زن و مرد در حیطه‌ی زندگی فردی و اجتماعی در طبقات گوناگون اقتصاد معطوف است. طرفداران این نظریه، برای استقلال مالی زنان اهمیت زیادی قایل هستند و ریشه‌ی زیردست بودن زنان را نه‌تنها در چارچوب خانواده، بلکه در روابط میان زن و مرد در جامعه جستجو می‌کنند (دادورخانی، ۶: ۱۳۸۵).

ـ نظریه‌ی فقرزدایی یا خودکفایی اقتصادی: در این نظریه، علت نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان نه به فرمانبری و پایین‌تر بودن زن، بلکه نتیجه‌ی فقر در نظر گرفته می‌شود. این نظریه، ریشه‌ی فقر را در عدم تحقق نقش تولیدکنندگی زنان در مشاغل کلیشه‌ای می‌بیند و معتقد است که در صورت اشتغال زنان در تولید، از اتکای آن‌ها به دیگران کاسته شده و با فقر این قشر از جامعه نیز مبارزه می‌شود (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). به‌بیان‌دیگر در این نظریه، از بین بردن عدم‌تساوی میان زن و مرد به از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی تغییر جهت پیدا می‌کند. اساس این نظریه بر این فرض استوار است که فقر زن و عدم برابری او با مرد، نتیجه‌ی عدم دسترسی زن به تملک زمین، سرمایه و تبعیض موجود در بازار کار است.

ـ نظریه‌ی کارایی: در این نظریه، تمرکز از زنان برداشته و بر توسعه معطوف شده است. فرض اصلی بر آن است که اگر توسعه اتفاق بیفتد، خودبه‌خود مشارکت زنان را می‌طلبد و این امر در عمل، موجب افزایش برابری زن و مرد در جامعه خواهد شد (دادورخانی، ۶: ۱۳۸۵). درعین‌حال معتقد است که پایین بودن سطح سواد زنان و نبود فناوری تولیدی مناسب، ازجمله عواملی هستند که مشکلات متعددی را در مسیر اجرای برنامه‌های یادشده به وجود خواهند آورد. بر اساس این دیدگاه، اگرچه برنامه‌ریزان توسعه متوجه اهمیت مشارکت زنان در توسعه شده‌اند و از مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه به‌عنوان عنصری ضروری یادکرده‌اند، ولی مستقیماً به بهبود شرایط زندگی زنان توجه خاص نداشته‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

ـ نظریه‌ی توانمندسازی: بر این نکته تأکید دارد که زنان نه‌تنها نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری در جامعه را نیز باید در سطوح گوناگون و به‌طور همزمان زیر سؤال برده و با آن مبارزه کنند. نظریه‌ی توانمندسازی بر سه پیش‌فرض اصلی استوار است. نخست آن‌که افزایش توان زنان برای اتکای به خویش موجب افزایش قدرت آن‌ها خواهد شد؛ دیگر آن‌که قدرت نشان‌دهنده‌ی برتری فرد نیست، بلکه بیانگر حق انتخاب وی در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها است؛ و درنهایت ارتقای موقعیت زنان بر موقعیت مردان هدف نبوده و در مقابل، کنترل منابع مادی و غیرمادی است که می‌تواند به توزیع مجدد قدرت و برابری زن و مرد در جامعه کمک کند. به نظر می‌رسد که نظریه‌ی توانمندسازی، ترکیبی از نظریه‌ی رفاه، برابری و فقرزدایی به شمار می‌رود.

برای توانمندسازی زنان، می‌بایست پنج مرحله‌ی مختلف تحت عناوین مرحله رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل را طی نمود. در مرحله‌ی رفاه، استلزامات رفاه مادی زنان بررسی می‌شود. در این مرحله از فرایند توانمندسازی، رفع تبعیض میان زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی دسترسی، زنان باید به عوامل تولید، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا، محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله‌ی آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی ایشان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و به همین دلیل قابل‌تغییر است. در این مرحله منظور از آگاهی، باور داشتن برابری است. در مرحله‌ی مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آنان در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل نیز، به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان در جامعه است (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷).

مجموعه اقدامات انجام‌شده طی سال‌های اخیر در ایران را می‌توان الهام گرفته از ۵ مرحله الگوی توسعه‌ای توانمندسازی زنان در نظر گرفت. تأکید بر رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل در کنار تقویت سرمایه اجتماعی سبب گردیده تا زنان روستایی قادر به انجام اموری باشند که تا پیش‌ازاین تصور نمی‌شد.

بی‌شک تأکید بر تقویت سرمایه اجتماعی، به‌واسطه ارتباطات، همکاری و اعتماد بین افراد، در محیط اقتصادی و اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا از منابع موجود برای ایجاد منافع متقابل استفاده کنند. نهادینه‌سازی سرمایه‌های اجتماعی که به اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد، می‌تواند اقدام اجتماعی را به نفع کل افراد جامعه منتج کند (رمضانی و همکاران، ۹: ۱۳۹۹).

موات (۲۰۰۰) اظهار داشته است که برخلاف عقیده بسیاری از افراد، بزرگ‌ترین چالش فراوری کارآفرینان زن، دسترسی به منابع مالی نیست، بلکه دسترسی مناسب به بازار است (International Finanace Corporation,2008: 34).

به گزارش سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۱: ۲۷)، برخی ارزش‌های سنتی و اجتماعی در شماری از کشورها نظیر کره، ازجمله مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان به‌حساب می‌آیند. این سازمان با اشاره به اینکه بسیاری از زنان روستایی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند، ضعف محتوای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

آموزشی مدارس و نبود سازمان‌های غیردولتی فعال را از دیگر بازدارنده‌های توسعه کارآفرینی زنان می‌داند.

نتایج مطالعه وزارت صنعت و تجارت جمهوری آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵ نشان داد که دسترسی ناکافی به اعتبارات رسمی، ضعف درزمینهٔ اثرگذاری بر قوانین تجارت، محدودیت دسترسی به زمین و عدم هماهنگی زنان با یکدیگر از عمده‌ترین مشکلات فراوری زنان کارآفرین بوده است. همچنین نتایج مطالعات لونت و نیجکامپ در سال ۲۰۰۶ در کشور ترکیه نیز عدم دسترسی به سرمایه و اعتبارات مناسب، فقدان دانش و مهارت مدیریتی- تجاری و وجود برخی هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی را از عوامل بازدارنده توسعه فرایند کارآفرینی زنان معرفی نموده است (Levent and Nijkamp, 2006: 37).

سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، موانع پیش‌روی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی را شامل مواردی نظیر مدیریت ضعیف بر منابع مالی، ضعف نقدینگی، عدم وجود یا ضعف در نظام ثبت و ضبط، بی‌تجربگی، عدم برخورداری از صلاحیت‌های مدیریتی، مشکلات مربوط به بازاریابی، مشکلات کارگزینی، عدم دسترسی به خدمات مشاوره‌ای تخصصی، محدودیت شبکه‌های تجاری و اجتماعی، موانع فرهنگی، ناامنی اجتماعی و تسلط مردان بر بازارها دانسته است (Okafor and Amalu, 2010: 40).

بر اساس گزارش بانک توسعه آسیا (۲۰۰۷)، عدم دسترسی به مواردی همچون تکنولوژی‌های نوین، خدمات، اعتبارات، ترویج و آموزش کشاورزی و عدم برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم برای اداره یک کسب‌وکار، ازجمله مشکلات عمده فعالیت‌های کارآفرینانه زنان به شمار می‌روند.

مینگ‌ین و چونگ (۳۹: ۲۰۰۸) با مطالعات موانع پیش‌روی زنان کارآفرین مالزی، به چهار دسته عوامل کلی شامل ضعف سرمایه، ضعف در شبکه‌سازی، ضعف آموزش و ضعف فناوری اطلاعات و ارتباطات دست یافتند. همچنین مشکلات فرهنگی را به عنوان یک مانع مهم بر سر راه توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان معرفی می‌نمایند.

پاسبان (۲: ۱۳۸۶) در مطالعه خود در خصوص نقش زنان در توسعه پایدار، موانع اجتماعی شامل آداب‌ورسوم غلط، خرافات، مردسالاری، عدم اجازه به زنان جهت انجام کارگروهی، دسترسی اندک به منابع مالی و اعتباری، نهاده‌ها، عوامل تولید، برخورداری ناچیز از خدمات ترویجی، سوگیری برنامه‌های توسعه‌ای و مشارکتی به سمت مردان، کمبود متخصصان و مشاوران زن جهت آموزش زنان روستایی را از عوامل مهم عدم حضور زنان در عرصه کار و امور اجتماعی می‌داند.

دانایی‌فر و همکاران (۷: ۱۳۸۹)، عواملی نظیر دسترسی نامناسب به بازار، نابسامانی بازارهای فروش و نبود پوشش بیمه‌ای را به‌عنوان مشکلات و موانع پیش‌روی کارآفرینان معرفی نموده‌اند.

شریف‌زاده و همکاران (۱۳: ۱۳۸۸)، معتقدند در عمل توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه با موانعی نظیر کمبود سرمایه و توسعه‌نیافتگی نهادهای مالی، دسترسی محدود و نابرابر به بازار سرمایه، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های عمومی، موانع قانونی، حقوقی و بروکراسی ناکارآمد مواجه‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

حاجی قربان (۴: ۱۳۸۹)، راهکارهای زمینه‌ای توسعه کارآفرینی را شامل تمامی اقدامات و برنامه‌هایی می‌داند که هدف‌شان افزایش آگاهی عمومی و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی- اجتماعی لازم برای توسعه کارآفرینی در کشور است. ازجمله این موارد، تهیه و روزآمدسازی اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک و متوسط برای توسعه صادرات و واردات به روش‌های مختلف اینترنتی و برخط، ایجاد شبکه سراسری اطلاع‌رسانی و ارائه اطلاعات موردنیاز در بخش تحقیق و پژوهش، تدوین برنامه‌های حمایتی، مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان و ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری است.

سیدی و تقی‌خانی (۱۲: ۱۳۹۰)، معتقدند که کارآفرینان نیازمند حمایت‌های مالی، اطلاعاتی، قانونی، امنیتی و تکنولوژیکی هستند.

آراستی و اکبری جوکار (۱: ۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان علل شکست کسب‌وکارهای کارآفرینانه در ایران، بر عواملی نظیر برآورد نادرست هزینه‌ها و درآمدها و عدم وجود شناخت کافی از بازارها به‌ویژه در مرحله تأسیس و ارزیابی‌های پیش از ایجاد کسب‌وکار به‌عنوان برخی از عوامل اصلی شکست کسب‌وکارها در ایران اشاره داشته‌اند. همچنین عدم عضویت در شبکه‌ها و گروه‌های مرتبط با کسب‌وکارها مانند انجمن‌ها و سندیکاهای مختلف نیز، شکست کسب‌وکارها را سرعت می‌بخشد.

همتی‌وینه و همکاران (۲۲: ۱۳۹۱) در مطالعه‌ای باهدف شناسایی موانع کسب‌وکارهای زنان روستایی در شهرستان کرمانشاه، موانع فردی ازجمله مخالفت همسر یا پدر؛ موانع مالی- اقتصادی نظیر دسترسی ناکافی به منابع اولیه برای تولید؛ موانع فرهنگی- اجتماعی همچون بی‌اعتمادی جامعه به زنان در راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار؛ و موانع قانونی- نهادی نظیر وجود واسطه‌ها و دلالان در بازار را، ازجمله بااهمیت‌ترین موانع بازدارنده‌ی سد راه فعالیت زنان روستایی بیان نموده‌اند.

موحدی و یعقوبی فرانی (۲۰: ۱۳۹۳) در پژوهشی باهدف شناسایی عوامل بازدارنده‌ی گرایش زنان روستایی به راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی در شهرستان رزن، شش مؤلفه فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی-مالی، شخصیتی، حمایتی، خانوادگی و آموزشی را به‌عنوان موانع اصلی توسعه‌ی کسب‌وکارهای مزبور نام می‌برند که دقت در ماهیت مؤلفه‌های یادشده، پنج مورد از آن‌ها را مستقیماً به محیط پیرامونی و شرایط زمینه‌ای مرتبط می‌داند.

یافته‌های مطالعه اوفوس هن (۲۰۰۵) نشان داد محدودیت‌های تأمین مالی، مساعد نبودن نگرش عمومی نسبت به کسب‌وکارهای خانگی و در نظر نگرفتن آن‌ها به‌عنوان یک شغل واقعی، موانع اصلی راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارهای کوچک خانگی در مناطق روستایی ساسکاچوان در کانادا بوده است (رضایی و نجفی، ۸: ۱۳۹۴).

ریجکرز و کوستا (۴۲: ۲۰۱۲) نیز در ارائه مدلی نظام‌مند از توسعه‌ی کسب‌وکارهای کوچک خانگی، مهم‌ترین موانع فراروی راه‌اندازی و گسترش این کسب‌وکارها را مشکلات فرهنگی و اجتماعی، ضعف قوانین مربوطه، ضعف شبکه‌سازی و منسجم نبودن کسب‌وکارها، مشکلات بازاریابی، پایین بودن سطح مهارت‌ها و قابلیت‌های صاحبان کسب‌وکارها و محدودیت‌های ناشی از کوچک بودن مقیاس کسب‌وکارها به‌ویژه از منظر حجم تولید معرفی نموده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

۳) روش تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی شناسایی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در بین اعضا و ارکان صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی شهرستان آبادان بوده، پژوهشی کاربردی به‌حساب می‌آید. بر اساس طرح تحقیق و نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهش در گروه تحقیقات غیرآزمایشی قرار دارد که از راهبرد پیمایش استفاده نموده است. پژوهش مذکور به مطالعه پنج صندوق اعتباری خرد زنان روستایی در شهرستان آبادان پرداخته است که سابقه تأسیس اولین صندوق به سال ۱۳۸۶ بازمی‌گردد. اعضا این صندوق‌ها به‌طور فعال در امر تولید فعال بوده و با پرداختن به مشاغل مختلف در حوزه روستایی، نقش بسزایی در کسب درآمد و کمک به اقتصاد خانوار خود داشته‌اند، ولی آنچه همواره در بازدیدهای میدانی درک گردید، دخالت پاره‌ای عوامل زمینه‌ای و خارج از کنترل زنان روستایی بود که تولید و فروش آنان را تحت تأثیر قرار می‌داد. از سوی دیگر اهمیت توسعه این شهرستان به‌عنوان نقطه صفر مرزی و ضرورت افزایش ضریب ماندگاری روستاییان در منطقه، سبب گردید تا به بررسی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر کارآفرینی آنان پرداخته شود. بر این اساس جامعه آماری تحقیق شامل ۱۰۰ نفر از زنان روستایی شهرستان آبادان در نظر گرفته شد که همگی در صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی عضویت داشته و با دریافت تسهیلات از صندوق‌های اعتباری منطقه، اقدام به راه‌اندازی، اداره و توسعه کسب‌وکار خود می‌نمودند. با استفاده از جدول مورگان، نمونه‌ای با حجم ۸۰ نفر به شیوه تصادفی انتخاب‌شده و مورد پرسشگری قرار گرفت.

ابزار اندازه‌گیری این تحقیق یک نسخه پرسشنامه محقق‌ساز را شامل بود. روایی محتوایی ابزار اندازه‌گیری توسط دو تن از کارشناسان امور زنان در سازمان جهاد کشاورزی استان خوزستان و دو نفر از زنان کارآفرین پیشرو در منطقه مورد تأیید قرار گرفت. قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در خصوص وضع موجود و مطلوب عوامل زمینه‌ای اثرگذار موردبررسی قرار گرفت و تأیید شد (α=۰/۸۷ ضریب آلفا در گویه‌های وضع موجود و α=۰/۹۳ در مورد گویه‌های تعیین‌کننده وضع مطلوب حمایت از کارآفرینان).

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از مطالعه اسنادی و بررسی پیشینه موضوع در داخل و خارج از کشور، همچنین بر اساس نتایج حاصل از انجام مصاحبه نیمه ساختارمند با چهار تن از زنان پیشرو کارآفرین عضو صندوق‌های مذکور، ۳۷ متغیر به‌عنوان عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر اقدامات کارآفرینانه اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد شناسایی‌شده و گویه‌های مربوط به هر یک از آن‌ها تدوین شدند. لازم به توضیح است که منظور از عوامل زمینه‌ای در این تحقیق، آن دسته از عواملی هستند که بسترساز جریان کارآفرینی در جامعه بوده و کارآفرینان دخل و تصرف چندانی در ایجاد یا تغییر آن‌ها ندارند بلکه از جمله الزامات قانونی و اجتماعی هستند که بایستی متولیان امر در جامعه فراهم آورند.

در جریان گردآوری داده‌ها نیز از افراد نمونه مورد بررسی خواسته شد تا به هر یک از گویه‌های مطروحه، به‌زعم خود و با توجه به شرایط موجود و مطلوب حمایت از انجام اقدامات کارآفرینانه در طیفی شامل اصلاً تا بسیار زیاد یکی را برگزینند. در فرآیند تحلیل داده‌ها، متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

کارآفرینی در وضع موجود و مطلوب بر اساس ضریب تغییرات به‌دست‌آمده، اولویت‌بندی شدند. در ادامه کار باهدف دسته‌بندی متغیرهای پراکنده در مؤلفه‌های کلی‌تر و سهولت بررسی آنان، از آزمون تحلیل عاملی استفاده گردید. در جریان این آزمون باهدف افزایش تفسیرپذیری عوامل و کاهش هم‌پوشانی میان آن‌ها، چرخش متعامد عامل‌ها صورت گرفت. در تفسیر نتایج نیز با توجه به حجم نمونه و تعداد متغیرهای موردبررسی، بارهای عاملی بیش از ۰/۵ معنی‌دار در نظر گرفته شدند.

در پژوهش حاضر اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی ساکن در شهرستان آبادان موردبررسی قرار گرفتند. شهرستان آبادان، در جنوب غربی ایران با "۳۹ '۱۲ ۴۸ طول شرقی و "۳۰ '۲۲ ۳۰ عرض شمالی و با ارتفاع ۳ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد. این شهرستان یکی از شهرهای پرجمعیت استان نفت‌خیز خوزستان بوده و در گوشهٔ شمال غربی خلیج فارس و در ساحل شرقی رود مرزی اروندرود (شط العرب) واقع‌شده است. در ضلع شرقی شهر، رود بهمنشیر که رودی منشعب از کارون به‌سوی خلیج‌فارس است، جریان دارد (تکمیل همایون، ۳: ۱۳۹۹).

آبادان دارای دوبخش (مرکزی و اروندکنار) و ۳ شهرآبادان، اروندکنار و چوئبده به همراه ۶ دهستان و ۸۱ آبادی و با جمعیتی بالغبر ۲۳۱۴۷۶ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۹: ۱۳۹۹). این شهرستان از شمال شرقی به شهرستان شادگان و از شمال غربی به شهرستان خرمشهر، از غرب با کشور عراق و از جنوب به خلیج‌فارس ختم می‌شود. آبادان به لحاظ سوق‌الجیشی (استراتژیک) و نیز تأسیسات عظیم پالایش نفت، دارای شهرت جهانی است. این شهر در ناحیه‌ای هموار و پست که همان دلتای اروندرود است، واقع‌شده و دارای آب و هوایی عموماً گرم و مرطوب و در تابستان بسیار گرم است. به هنگام بارندگی شدید، قسمت‌هایی از جنوب شهرستان آبادان به زیرآب فرو می‌رود و به‌وقت خشکی به‌صورت جزیره‌ای که در نقشه‌های جغرافیایی «جزیرهٔ آبادان» نام‌گرفته است، ظاهر می‌شود (تکمیل همایون، ۳: ۱۳۹۹).

۴) یافته‌های تحقیق

میانگین سنی نمونه موردمطالعه ۳۴/۳ سال و انحراف معیار ۸/۴۹ سال، به دست آمد. همچنین کمینه و بیشینه سنی زنان موردمطالعه، ۱۷ و ۵۰ سال بود. ۶۷ نفر از زنان موردمطالعه معادل ۸۳/۸ درصد، متأهل و ۱۳ نفر برابر با ۱۶/۳ درصد مجرد بودند. توزیع فراوانی سطح تحصیلی نمونه موردمطالعه نیز حکایت از آن داشت که ۷/۵ درصد از این افراد بی‌سواد بوده، ۳۰/۰ درصد از تحصیلات ابتدایی، ۳۰/۰درصد راهنمایی، ۲۲/۵ درصد دبیرستان و ۱۰/۰ درصد از آنان تحصیلات دانشگاهی برخوردار بودند.

۲/۵ درصد از زنان موردمطالعه، سرپرست خانوار بوده و مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی را به دوش می‌کشیدند. همچنین میانگین سابقه فعالیت آن‌ها ۴/۵ سال و انحراف معیار ۱/۴۷ سال، کمینه و بیشینه‌ای ۱ و ۱۴ ساله داشت.

نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که ۲۵ نفر معادل ۳۱/۳ درصد از زنان در بخش دامپروری اعم پرورش دام سبک و سنگین، ۱۰ درصد در پرورش ماکیان، ۱۸/۸ درصد در امر تولید سبزی و صیفی، ۲۱/۳ درصد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

در بسته‌بندی و فراوری خرما و ۱۸/۸ درصد در امور خدماتی نظیر (پخت نان، آرایشگری، عرضه محصولات غذایی و لباس‌فروشی) مشغول به فعالیت بودند.

چنان‌که در جدول (۱) نیز قابل‌مشاهده است، در بحث عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی، ازنظر اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی، با بررسی نظرات نمونه موردمطالعه در شرایط موجود، اختصاص امتیاز ۲/۸۳ به‌عنوان بالاترین امتیاز در بین عوامل شناسایی‌شده، حکایت از سدها و موانع پیش‌روی کارآفرینان و شرایط دشوار فعالیت دارد که در تمامی مطالعات نظری نیز صحه‌گذاری شده است. اما چنانچه در بین این عوامل زمینه‌ای اولویت‌بندی انجام شود، بیشترین فعالیت در حال حاضر در حوزه بسترسازی در جامعه و ایجاد آمادگی در خانواده‌ها و شهروندان جهت تشویق زنان به تولید و اشتغال از سوی دستگاه‌های دولتی بوده است. پس‌ازآن، تلاش جهت رفع ناامنی‌های اجتماعی به‌منظور حضور بهتر کارآفرینان در اجتماع و ارائه گزارش‌های ادواری جهت انعکاس فعالیت‌های انجام‌شده و ایجاد دلگرمی در کارآفرینان به ادامه فعالیت، قرار دارد. همچنین فرهنگ‌سازی جهت انجام کارگروهی در بین زنان و فرهنگ‌سازی در اجتماع جهت پذیرش زنان در امر اشتغال و تولید در اولویت چهار و پنج قرار داشتند. یافته‌ها در این بخش بامطالعه حاجی قربان (۱۳۸۹) و سیدی و تقی‌خانی (۱۳۹۰)، که راهکارهای زمینه‌ای توسعه کارآفرینی را شامل تمامی اقدامات و برنامه‌هایی می‌داند که هدفشان افزایش آگاهی عمومی و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی ـ اجتماعی لازم برای توسعه کارآفرینی در کشور است، مطابقت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش، نظر مینگ‌ین و چونگ (۲۰۰۸)، در خصوص مشکلات فرهنگی، تائید می‌نماید. یافته‌های اوفوس هن (۲۰۰۵) و ریجکرز و کوستا (۲۰۱۲) نیز تاکید دارد که لازم است درزمینهٔ رفع مشکلات فرهنگی و موانع اجتماعی فعالیت‌های کارآفرینان زنان اقدامات مهمی انجام داد.

در اولویت‌بندی انجام‌شده توسط نمونه موردمطالعه، سه اولویت آخر در رتبه‌بندی مذکور شامل اقدامات دولت در حوزه تأمین نهاده‌های موردنیاز زنان روستایی کارآفرین جهت تولید کالا و خدمات، واگذاری زمین برای توسعه کسب‌وکار و ارائه خدمات بیمه‌ای به زنان کارآفرین است، که میانگینی کمتر از یک را به خود اختصاص داده است، همه این موارد نشان‌دهنده عدم آمادگی دولت در ایجاد بسترهای قانونی و حقوقی جهت توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی در منطقه است.

جدول ۱. اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در شرایط موجود

عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر کارآفرینی در شرایط موجود	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
بسترسازی در جامعه و آماده‌سازی خانواده‌ها و جامعه جهت تشویق زنان به تولید	۲/۸۳	۱/۱۱۱	۰/۳۹۲	۱
تلاش جهت رفع ناامنی‌های اجتماعی به‌منظور حضور بهتر کارآفرینان	۱/۷۴	۰/۷۰۷	۰/۴۰۶	۲
ارائه گزارش‌های ادواری جهت انعکاس فعالیت‌های انجام‌شده و دلگرمی کارآفرینان	۲/۷۵	۱/۲۳۴	۰/۴۴۸	۳
ایجاد فرهنگ کارگروهی در بین زنان جهت هماهنگی بهتر با یکدیگر در انجام کار	۲/۴۱	۱/۱۳۳	۰/۴۷۰	۴
فرهنگ‌سازی در اجتماع جهت پذیرش زنان در رشته‌های مختلف و در امر تولید	۲/۳۶	۱/۲۲۵	۰/۵۱۹	۵
تقویت فرهنگ حمایت از زنان کارآفرین	۱/۷۹	۰/۹۳۷	۰/۵۲۳	۶
تهیه و انتشار موارد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...) در خصوص کسب‌وکارها	۲/۳۸	۱/۲۷۷	۰/۵۳۶	۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری	۱/۸۷	۱/۰۱۸	۰/۵۴۴	۸
تلاش جهت تغییر نگرش مردان نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه زنان	۲/۱۲	۱/۱۵۸	۰/۵۴۶	۹
تشویق زنان به عضویت در انجمن‌های کارآفرینی	۲/۱۰	۱/۱۵۴	۰/۵۴۹	۱۰
ارائه آموزش‌های فنی موردنیاز به کارآفرینان روستایی جهت توانمندسازی آنان	۲/۶۰	۱/۴۷۲	۰/۵۶۶	۱۱
ارائه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۱/۴۱	۰/۷۰۸	۰/۵۷۲	۱۲
تهیه و انتشار موارد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...) جهت آموزش زنان	۲/۵۱	۱/۴۵۸	۰/۵۸۰	۱۳
مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان	۲/۰۵	۱/۲۰۰	۰/۵۸۵	۱۴
تلاش جهت رفع موانع اجتماعی حضور زنان در عرصه تولید	۱/۶۹	۱/۰۴۸	۰/۶۲۰	۱۵
وجود کارشناسان متخصص زن در کنار کارآفرینان زن روستایی	۲/۱۶	۱/۳۶۴	۰/۶۳۱	۱۶
ارائه آموزش‌های موردنیاز درزمینهٔ بازاریابی محصولات تولیدی خود	۲/۰۹	۱/۳۳۳	۰/۶۳۷	۱۷
تهیه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۱/۵۹	۱/۰۷۴	۰/۶۷۳	۱۸
ارائه آموزش‌های خاص کارآفرینانه در سطح خانواده، اجتماع و محیط کار	۲/۰۹	۱/۴۸۶	۰/۷۱۱	۱۹
تشکیل، ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ی صندوق‌های اعتباری خرد جهت انسجام‌بخشی به فعالیت زنان روستایی کارآفرین	۲/۲۸	۱/۶۳۰	۰/۷۱۴	۲۰
تصویب قوانین حمایت از کسب‌وکارهای کوچک روستایی	۱/۳۹	۱/۰۷۳	۰/۷۷۱	۲۱
شبکه‌سازی بین کلیه کارآفرینان روستایی سایر مناطق به‌منظور بهره‌گیری از تجارب	۲/۰۸	۱/۶۶۷	۰/۸۰۱	۲۲
آموزش مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد بازار محور بر اساس نیازهای جامعه	۱/۷۹	۱/۴۳۸	۰/۸۰۳	۲۳
خرید تضمینی محصولات تولیدی کارآفرینان به‌منظور تقویت بنیه مالی و تشویق آنان	۱/۵۰	۱/۲۲۲	۰/۸۱۴	۲۴
توسعه زیرساخت‌های عمرانی (نظیر جاده، وسایل حمل‌ونقل و ...)	۱/۸۹	۱/۶۴۶	۰/۷۸۰	۲۵
قیمت‌گذاری مناسب بر روی محصولات تولیدی زنان روستایی	۱/۳۶	۱/۲۰۴	۰/۸۸۵	۲۶
برگزاری نمایشگاه و جشنواره‌های کارآفرینی باهدف معرفی کارآفرینان برتر	۱/۵۴	۱/۳۹۶	۰/۹۰۶	۲۷
تسهیل امور اداری جهت اخذ مجوزهای راه‌اندازی کسب‌وکار زنان	۱/۳۰	۱/۲۱۳	۰/۹۳۳	۲۸
ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی	۱/۳۵	۱/۴۰۶	۱/۰۴۱	۲۹
دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات موردنیاز، دانش و فناوری	۱/۱۰	۱/۲۵۹	۱/۱۴۴	۳۰
ارائه تسهیلات ویژه سهل‌الوصول (تسهیلات تشویقی) به زنان روستایی کارآفرین	۰/۸۲	۰/۹۴۴	۱/۱۵۱	۳۱
ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید	۰/۹۵	۱/۱۰۴	۱/۱۶۳	۳۲
پرداخت تسهیلات بانکی آسان به زنان کارآفرین روستایی (قسط‌بندی، زمان تنفس)	۰/۸۱	۰/۹۵۶	۱/۱۸۰	۳۳
توسعه‌ی مراکز تخصصی حمایت از کسب‌وکار کوچک روستایی	۱/۱۳	۱/۴۶۳	۱/۲۹۴	۳۴
تأمین نهاده‌های موردنیاز زنان روستایی جهت تولید کالا و خدمات	۰/۷۷	۱/۰۰۶	۱/۳۰۶	۳۵
واگذاری زمین به زنان کارآفرین جهت توسعه کسب‌وکار	۰/۷۳	۱/۰۲۲	۱/۴۰	۳۶
ارائه خدمات بیمه‌ای به زنان کارآفرین	۰/۳۳	۰/۴۷۴	۱/۴۳۶	۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در ادامه نمونه موردمطالعه نظرات خود را در مورد اهمیت هر یک از متغیرهای شناسایی‌شده به‌عنوان عوامل زمینه‌ای توسعه کارآفرینی بیان نمودند. نکته قابل‌توجه در این دیدگاه سنجی، کسب میانگین بالای ۴ برای ۳۷ گویه شناسایی‌شده، بود. این یافته، نشان‌دهنده‌ی اولویت تمامی متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار در پژوهش بود که ادبیات نظری هم بر آن تأکید داشت.

چنانچه در بین ۳۷ متغیر شناسایی‌شده دقت نظر شود، سه اولویت نخست توسعه کارآفرینی از دید اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد شامل، ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی، ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید و دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات موردنیاز، دانش و فناوری است. با تلفیق سه اولویت برتر از دید نمونه موردمطالعه در این بخش می‌توان نتیجه گرفت که در صورت تأسیس و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

راه‌اندازی مراکز تخصصی مشاوره کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار در محیط‌های روستایی به‌منظور آموزش و توانمندسازی زنان روستایی و شناسایی افراد صاحب ایده و علاقه‌مند تربیت‌یافته در مراکز مذکور به‌منظور ارائه مشاوره‌های تخصصی‌تر و حمایت‌های اعتباری و تسهیلاتی، توسعه کارآفرینی با رویکردی مناسب‌تر پیش خواهد رفت. این یافته با نتایج مطالعه وزارت صنعت و تجارت جمهوری آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵ که دسترسی ناکافی به اعتبارات رسمی، محدودیت دسترسی به زمین را از عمده‌ترین مشکلات فراوری زنان کارآفرین می‌داند، مطابقت داشته همچنین نتایج مطالعات لونت و نیجکامپ در سال ۲۰۰۶ در کشور ترکیه نیز تأکید دارد که عدم دسترسی به سرمایه و اعتبارات مناسب، از عوامل بازدارنده توسعه فرایند کارآفرینی زنان است.

جدول ۲. اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در بین اعضا و ارکان صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی در شرایط مطلوب

گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی	۴/۸۰	۰/۴۰۳	۰/۰۸۳	۱
ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید	۴/۷۹	۰/۴۱۲	۰/۰۸۶	۲
دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات موردنیاز، دانش و فناوری	۴/۷۶	۰/۴۲۸	۰/۰۸۹	۳
تلاش جهت تغییر نگرش مردان نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه زنان	۴/۷۲	۰/۴۵۳	۰/۰۹۵	۴
ایجاد فرهنگ کارگروهی در بین زنان جهت هماهنگی بهتر با یکدیگر در انجام کارگروهی	۴/۷۹	۰/۴۶۹	۰/۰۹۷	۵
تهیه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۴/۶۹	۰/۴۶۶	۰/۰۹۹	۶
مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان	۴/۶۸	۰/۴۷۱	۰/۱۰۰	۷
خرید تضمینی محصولات تولیدی زنان به‌منظور تقویت بنیه مالی و تشویق سایر افراد به تولید	۴/۶۶	۰/۴۷۷	۰/۱۰۲	۸
تصویب قوانین حمایت از کسب‌وکارهای کوچک روستایی	۴/۶۵	۰/۴۸۰	۰/۱۰۳	۹
ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری	۴/۶۹	۰/۴۹۳	۰/۱۰۵	۱۰
تهیه و انتشار مواد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...) در خصوص کسب‌وکارها در روستا	۴/۷۱	۰/۵۰۸	۰/۱۰۸	۱۱
آموزش مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد بازار محور بر اساس نیازهای جامعه در سطوح تحصیلی	۴/۷۰	۰/۵۱۳	۰/۱۰۹۱	۱۲
تسهیل امور اداری جهت اخذ مجوزهای راه‌اندازی کسب‌وکار زنان	۴/۵۰	۰/۵۰۳	۰/۱۱۱	۱۳
ارائه گزارش‌های ادواری برای انعکاس فعالیت‌های جاری و دلگرمی کارآفرینان به ادامه	۴/۶۵	۰/۵۳۲	۰/۱۱۴	۱۴
پرداخت تسهیلات بانکی آسان به زنان کارآفرین روستایی (قسط‌بندی، زمان تنفس و ...)	۴/۳۷	۰/۵۱۳	۰/۱۱۷	۱۵
تقویت فرهنگ حمایت از زنان کارآفرین	۴/۶۶	۰/۵۵۰	۰/۱۱۸	۱۶
تلاش جهت رفع موانع اجتماعی حضور زنان در عرصه تولید	۴/۷۱	۰/۵۸۴	۰/۱۲۳	۱۷
ارائه آموزش‌های فنی موردنیاز به کارآفرینان روستایی جهت توانمندسازی آنان در تولید	۴/۵۶	۰/۵۷۰	۰/۱۲۵	۱۸
شبکه‌سازی بین کلیه کارآفرینان روستایی سایر مناطق به منظور بهره‌گیری از تجارب	۴/۶۱	۰/۵۸۴	۰/۱۲۷	۱۹
تلاش جهت رفع ناامنی‌های اجتماعی به‌منظور حضور بهتر کارآفرینان	۴/۶۶	۰/۵۹۷	۰/۱۲۸۱	۲۰
فرهنگ‌سازی در اجتماع جهت پذیرش زنان در رشته‌های مختلف و در امر تولید	۴/۵۹	۰/۵۸۹	۰/۱۲۸۳	۲۱
ارائه آموزش‌های موردنیاز درزمینهٔ بازاریابی محصولات تولیدی خود	۴/۵۸	۰/۵۹۱	۰/۱۲۹	۲۲
بسترسازی در جامعه و آماده‌سازی خانواده‌ها و شهروندان جهت تشویق زنان به تولید	۴/۵۳	۰/۵۹۵	۰/۱۳۱	۲۳
تهیه و انتشار مواد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...)	۴/۵۰	۰/۵۹۵	۰/۱۳۲	۲۴
ارائه آموزش‌های خاص کارآفرینانه در سطح خانواده، اجتماع و محیط کار	۴/۵۲	۰/۶۱۶	۰/۱۳۶۲	۲۵
برگزاری نمایشگاه و جشنواره‌های کارآفرینی باهدف معرفی کارآفرینان برتر و ارائه محصولات	۴/۷۰	۰/۶۴۱	۰/۱۳۶۳	۲۶
ارائه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۴/۵۴	۰/۶۳۵	۰/۱۴۰	۲۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

تأمین نهاده‌های موردنیاز زنان روستایی جهت تولید کالا و خدمات	۴/۳۷	۰/۶۲۴	۰/۱۴۳	۲۸
توسعه زیرساخت‌های عمرانی (نظیر جاده، وسایل حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به اینترنت)	۴/۳۴	۰/۶۷۴	۰/۱۵۵	۲۹
ارائه خدمات بیمه‌ای به زنان کارآفرین	۴/۴۴	۰/۶۹۱	۰/۱۵۶	۳۰
قیمت‌گذاری مناسب بر روی محصولات تولیدی زنان روستایی	۴/۴۵	۰/۷۲۷	۰/۱۶۳	۳۱
تشویق زنان به عضویت در انجمن‌های کارآفرینی	۴/۴۴	۰/۷۴۴	۰/۱۶۷	۳۲
ارائه تسهیلات تشویقی به زنان روستایی کارآفرین	۴/۲۷	۰/۷۲۹	۰/۱۷۱	۳۳
تشکیل، ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ی صندوق‌های خرد جهت انسجام‌بخشی به فعالیت زنان	۴/۲۸	۰/۷۷۹	۰/۱۸۲	۳۴
وجود کارشناسان متخصص زن در کنار کارآفرینان زن روستایی	۴/۴۴	۰/۸۵۵	۰/۱۹۲	۳۵
توسعه‌ی مراکز تخصصی حمایت از کسب‌وکار کوچک روستایی (مراکز مشاوره راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار، تأمین نیازهای اطلاعاتی و...)	۴/۱۷	۰/۸۰۸	۰/۱۹۴	۳۶
واگذاری زمین به زنان کارآفرین جهت توسعه کسب‌وکار	۴/۱۶	۰/۸۱۸	۰/۱۹۶	۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

همچنین نتیجه آزمون MSA، درجه تعلق متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد به یکدیگر (علیت عاملی) را در حد مطلوب نشان داد و بر این اساس، تناسب داده‌ها را برای کاربرد تحلیل عاملی تأیید نمود. افزون بر این مقدار به‌دست‌آمده از آزمون بارتلت نیز در سطح یک درصد خطا معنادار بود. مقادیر مربوط به آزمون MSA و تست بارتلت در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون MSA و تست بارتلت در ارتباط با متغیرهای بازدارنده توسعه کارآفرینی

K.M.O	مقدار آماره کای اسکوئر (بارتلت)	سطح معنی‌داری
۰/۷۰۹	۳۳۶۶/۲۹۱**	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش ** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

با توجه به مقادیر ویژه و مجموع مجذورات بارهای عاملی در ماتریس همبستگی، متغیرهای پژوهش در پنج عامل دسته‌بندی شدند که درمجموع ۶۷/۴۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمودند. در این میان باهدف افزایش تفسیرپذیری عوامل و کاهش هم‌پوشانی میان آن‌ها، از تکنیک چرخش متعامد عامل‌ها استفاده شد. در تفسیر نتایج نیز با توجه به حجم نمونه و تعداد متغیرهای موردبررسی، بارهای عاملی بیش از ۰/۵ معنی‌دار در نظر گرفته شدند. مقادیر ویژه هر یک از عوامل فرضی، درصد واریانس آن‌ها پس از چرخش و درصد تجمعی واریانس‌ها در جدول (۴) و عناوین منتخب برای عوامل مذکور، متغیرهای منسوب به آن‌ها و بارهای عاملی متغیرها پس از چرخش متعامد در جدول (۵) آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

جدول ۴. اطلاعات مربوط به عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی استخراج‌شده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس پس از چرخش	درصد تجمعی واریانس
اول	۶/۴۳۹	۱۷/۴۰۳	۱۷/۴۰۳
دوم	۵/۲۴۹	۱۴/۱۸۶	۳۱/۵۸۸
سوم	۵/۲۲۷	۱۴/۱۲۸	۴۵/۷۱۶
چهارم	۴/۱۰۵	۱۱/۰۹۵	۵۶/۸۱۱
پنجم	۳/۹۱۹	۱۰/۵۹۱	۶۷/۴۰۲

جدول ۵. عناوین منتخب برای عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی

عامل	متغیرهای منسوب به عامل	بار عاملی
زیرساختی ـ نهادی	ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید	۰/۷۷۰
	تسهیل امور اداری جهت اخذ مجوزهای راه‌اندازی کسب‌وکار زنان	۰/۸۳۱
	توسعه زیرساخت‌های عمرانی (نظیر جاده، وسایل حمل‌ونقل عمومی، اینترنت و ...)	۰/۸۲۶
	واگذاری زمین به زنان کارآفرین جهت توسعه کسب‌وکار	۰/۷۰۰
	پرداخت تسهیلات بانکی آسان به زنان کارآفرین روستایی (قسط‌بندی، زمان تنفس و ضمانت)	۰/۶۸۷
	ارائه تسهیلات ویژه سهل‌الوصول (تسهیلات تشویقی) به زنان روستایی کارآفرین	۰/۵۲۶
	خرید تضمینی محصولات تولیدی زنان کارآفرین به‌منظور تقویت بنیه مالی و تشویق سایر افراد به تولید	۰/۶۶۶
	برگزاری نمایشگاه و جشنواره‌های کارآفرینی جهت معرفی کارآفرینان برتر و ارائه محصولات آن‌ها	۰/۶۳۸
	قیمت‌گذاری مناسب بر روی محصولات تولیدی زنان روستایی	۰/۵۵۸
	ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری	۰/۵۵۹
آموزشی	بسترسازی در جامعه و آماده‌سازی خانواده‌ها و شهروندان جهت تشویق زنان به تولید و اشتغال	۰/۹۲۹
	فرهنگ‌سازی در اجتماع جهت پذیرش زنان در رشته‌های مختلف و در امر تولید	۰/۸۷۷
	ارائه آموزش‌های خاص کارآفرینانه در سطح خانواده، اجتماع و محیط کار	۰/۷۱۵
	ارائه آموزش‌های فنی موردنیاز به کارآفرینان روستایی جهت توانمندسازی آنان در عرصه تولید	۰/۶۴۱
	آموزش مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد بازار محور بر اساس نیازهای جامعه در کلیه سطوح تحصیلی	۰/۶۳۸
	تهیه و انتشار مواد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...) در خصوص کسب‌وکارهای صورت یافته در روستاها	۰/۶۳۲
	ارائه گزارش‌های ادواری جهت انعکاس فعالیت‌های انجام‌شده و دلگرمی کارآفرینان به ادامه فعالیت و تشویق سایرین به تشکل‌سازی	۰/۶۱۷
	تشکیل، ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ی صندوق‌های اعتباری خرد جهت انسجام‌بخشی به فعالیت زنان	۰/۶۷۲
فنی	تقویت فرهنگ حمایت از زنان کارآفرین	۰/۷۶۹
	ارائه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۰/۷۶۱
	شبکه‌سازی بین کلیه کارآفرینان روستایی سایر مناطق به‌منظور بهره‌گیری از تجارب یکدیگر	۰/۷۵۳
	تصویب قوانین حمایت از کسب‌وکارهای کوچک روستایی	۰/۷۱۷
	وجود کارشناسان متخصص موضوعی زن در کنار کارآفرینان زن روستایی	۰/۶۰۲
	تهیه و انتشار مواد آموزشی (نشریه، فیلم، بروشور و ...) جهت آموزش زنان در رشته‌های مختلف به‌منظور ارتقا سطح دانش آنان	۰/۶۶۰
فرهنگی	تهیه اطلاعات موردنیاز صنایع کوچک کارآفرینانه به‌صورت اینترنتی و Online	۰/۸۳۷
	تلاش جهت تغییر نگرش مردان نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه زنان	۰/۸۱۴
	ارائه آموزش‌های موردنیاز درزمینهٔ بازاریابی محصولات تولیدی خود	۰/۵۷۰
	ایجاد فرهنگ کارگروهی در بین زنان جهت هماهنگی بهتر با یکدیگر در انجام کارگروهی	۰/۵۳۹
	مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان	۰/۶۰۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

اجتماعی	تلاش جهت رفع موانع اجتماعی حضور زنان در عرصه تولید	۰/۷۸۸
	ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی	۰/۷۷۹
	تلاش جهت رفع ناامنی‌های اجتماعی به‌منظور حضور بهتر کارآفرینان	۰/۴۴۵
	توسعه‌ی مراکز تخصصی حمایت از کسب‌وکار کوچک روستایی (مراکز مشاوره راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار، تأمین نیازهای اطلاعاتی و نهاده‌های موردنیاز)	۰/۸۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با تطبیق یافته‌های پژوهش با ادبیات نظری، عامل زیرساختی ـ نهادی در یافته‌های سازمان همکاری‌های مالی بین‌المللی، ۲۰۰۸ نیز تایید شده است. عامل آموزش نیز در یافته‌های سازمان ملل متحد (۲۰۱۰)، مینگ‌ین و چونگ (۲۰۰۸)، بانک توسعه آسیا (۲۰۰۷) و یعقوبی فرانی و سلیمانی (۱۳۹۴)، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین عوامل اجتماعی و فرهنگی توسط ریجکرز و کوستا (۲۰۱۲)، لیونت و نیجکامپ (۲۰۰۶)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۴) و همتی وینه و همکاران (۱۳۹۱) اشاره گردید.

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق و وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی از یکسو و اهمیت و ضرورت ارتقاء سطح رفاه و درآمد روستاییان علی‌الخصوص در مناطق کم‌درآمد و فقیر و لزوم تشویق آنان به ماندن در روستا و حفظ و احیا مناطق روستایی به‌عنوان سرمایه‌های ملی از سوی دیگر، کارآفرینی در کشاورزی امری مهم و اساسی به شمار می‌آید. در این میان زنان روستایی به‌عنوان بخش عظیمی از نیروی انسانی در چرخه اقتصادی کشور همواره به ایفای نقش پرداخته‌اند و ضروری است تا در مباحث کارآفرینی روستایی و ایجاد اشتغال پایدار نیز برای آنان چاره‌ای اندیشیده شود. توسعه کارآفرینی روستایی و آموزش و توانمندسازی زنان با رویکرد ظرفیت‌سازی اجتماعی و تقویت تشکل‌های تولیدی محلی، همواره به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و توسعه اشتغال در مناطق روستایی در نظر گرفته می‌شود. چراکه توسعه کارآفرینی با ایجاد زمینه اشتغال پایدار و تولید ثروت، می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر و بهبود رفاه حال روستاییان و بالأخص زنان روستایی داشته باشد و درعین‌حال پیامدهای اجتماعی مثبتی را نیز برای آنان به همراه آورد. اما با توجه به یافته‌های پژوهش و مطالعه منابع موجود در این حوزه، توسعه کارآفرینی زنان روستایی فرآیندی پیچیده و دشوار است که برای دستیابی به آن، لازم است تا با فراهم آوردن زمینه‌های فنی، نهادی-زیرساختی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مناسب، زنان با آمادگی بیشتری به این‌بخش ورود نمایند. بر این اساس برخی پیشنهادات ارائه می‌گردد.

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی در تمامی حوزه‌های کشاورزی به فعالیت‌های مختلفی نظیر زراعت، باغبانی، پرورش دام و طیور، صنایع تبدیلی و ... اشتغال داشتند. در واقع شرایط مساعد اقلیمی، فرهنگ تولید کشاورزی، آمادگی در بهره‌برداری از منابع در دسترس، زمینه مناسبی را فراهم آورده است، تا با ارتقاء دانش فنی زنان روستایی در حوزه تولید، فراوری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

و بسته‌بندی محصولات کشاورزی در کنار تقویت سایر عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی، بتوان نقشه راه مناسبی جهت توسعه روستایی ترسیم کرد.

ارائه خدمات آموزشیِ فنی و تخصصی در زمینه نحوه تولید و فرآوری محصولات کشاورزی، آموزش‌های تخصصی و خاص در زمینه انواع بسته‌بندی و ارائه محصول، شناخت سلیقه مصرف‌کننده، شناخت بازار مصرف محصولات تولیدی، بازارسازی و بازاریابی تولیدات زنان روستایی منطبق با شرایط اقلیمی و نیاز جامعه مصرف‌کننده ازجمله موارد مهمی است که در صورت برنامه‌ریزی و اجرای دقیق آن، در توسعه کارآفرینی و رونق کسب‌وکارهای روستایی نقش بسزایی دارد. وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان متولی اصلی تولید و تأمین معاش جامعه روستایی، با ارائه خدمات آموزشی مناسب و منطبق با نیاز جامعه، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در این حوزه ایفا نماید. ارائه خدمات آموزشی مهارتی و بازارمدار به منظور ایجاد مهارت‌های جدید یا بهبود و ارتقاء مهارت‌های کسب‌شده در سنوات پیشین، پیگیری و رصد رویدادهای بازار حوزه کشاورزی و غذا، در توسعه کمی و کیفی این امر بسیار اثرگذار خواهد بود.

همچنین عوامل اجتماعی و فرهنگی در تحلیل صورت گرفته نیز به‌نوعی با عامل آموزشی در ارتباط می‌باشند. ارتقاء ابعاد اجتماعی و فرهنگی، ارتباط مستقیمی با کارایی بعد آموزش داشته و کارایی آموزش‌های ارائه‌شده در جامعه، تأثیر مستقیمی در سایر ابعاد اثرگذار بر توسعه کارآفرینی خواهد داشت. بر این اساس، یکی از ابعاد اصلی در توسعه کارآفرینی، بعد خدمات آموزشی اثربخش و کارآمد در تمامی زیر بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و تخصصی کشاورزی است که سنگ بنای توسعه کارآفرینی روستایی را پایه‌گذاری خواهد نمود.

بی‌تردید ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی، ارائه خدمات به‌منظور توسعه کارآفرینی در قالب سوبسید و دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات بازار، دانش و فناوری‌های تخصصی و مدیریتی، بدون برنامه‌ریزی و پیش‌بینی سازوکار مناسب با توجه به شرایط خاص هر منطقه، عملی نخواهد بود.

در ادامه با توجه به اهمیت توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی و افزایش ضریب ماندگاری روستاییان در مناطق مرزی کشور به‌عنوان مرزبانان مناطق جنوبی پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱ـ راه‌اندازی کارگروه توسعه کسب‌وکار روستایی شهرستانی: با توجه به توسعه صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی طی چند سال اخیر در سراسر استان خوزستان و سایر استان‌ها پیشنهاد می‌شود کارگروهی متشکل از فرماندار به‌عنوان بالاترین مقام مسئول شهرستان و رئیس کارگروه، مدیر جهادکشاورزی و رئیس اداره آموزش و ترویج کشاورزی، کارشناسان امور زنان، مدیران عامل صندوق‌های اعتباری پشتیبان کارآفرینی نظیر بانک کارآفرینی امید، بانک توسعه تعاون و سایر بانک‌های عامل به همراه سایر دست‌اندرکاران توسعه فضای کسب‌وکار (نماینده مرکز بهداشت شهرستان، اداره کار شهرستان، نماینده توسعه مناطق محروم ریاست جمهوری در فرمانداری) و مدیران عامل صندوق‌های اعتباری شکل گیرد. کارگروه مذکور، طی جلسات و نشست‌های ادواری (سه ماهه) به واکاوی و شناسایی دقیق موانع و مشکلات پیش‌روی زنان روستایی کارآفرینان در هر منطقه پرداخته و تا حد ممکن مسایل پیش‌روی کارآفرینان روستایی بررسی و با تسهیل‌گری، مسایل زمینه‌ای توسعه کارآفرینی زنان روستایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

را برطرف نمایند. مسائل و مواردی که نیازمند تصمیم‌گیری در سطوح بالاتری را دارند به ستاد ملی استانی ارجاع گردند.

۲ـ **ایجاد ستاد توسعه کسب‌وکار روستایی در سطح استان:** به‌منظور پیگیری و تسهیل تصمیمات کارگروه استانی در مواردی که مشکل ایجاد می‌گردد، ستاد استانی با پیش‌بینی الزامات قانونی و تسهیل فرایندهای مربوط به کارآفرینی وارد عمل خواهد شد. اعضای این ستاد، استاندار به‌عنوان رئیس ستاد و مسئول پیگیری، رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر هماهنگی ترویج و کارشناس مسئول زنان، نمایندگان مؤسسات مالی و اعتباری این حوزه، نمایندگان دانشگاه علوم پزشکی، وزارت کار و سایر دستگاه‌های بنا به موضوع موردبحث خواهند بود و مصوبات این ستاد در تمامی شهرستان‌ها لازم‌الاجرا بوده و از پشتوانه اداری لازم برخوردار است.

۳ـ **ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در مناطق روستایی:** با جلب مشارکت فعال زنان روستایی در مراکز مذکور و هدایت بحث‌های پویا، بر دانش و تجربه کارآفرینی زنان افزوده خواهد شد؛ برنامه‌ریزی دقیق به‌منظور ارتقا سطح دانش، ارائه خدمات مشاوره‌ای جهت حمایت از راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه، ارائه کمک‌های مالی در قالب سوبسید و نظارت دقیق و گام‌به‌گام تا بهره‌برداری از طرح؛ و دسترسی آسان کارآفرینان به اطلاعات موردنیاز، دانش و فناوری از طریق تهیه نشریات و برنامه‌های متناسب رادیویی و تلویزیونی، برگزاری کارگاه‌ها و سایر روش‌های آموزشی، می‌تواند در بهبود فضای کارآفرینی اثرگذار خواهد بود.

۴ـ **طراحی، تدوین و اجرای برنامه جامع توسعه کسب‌وکار:** کارگروه پیشنهادی، با تعیین و تصویب نیازهای آموزشی، فنی، پشتیبانی و ... زنان کارآفرین و از طریق همکاری با سایر سازمان‌های ذیربط ازجمله نهادهای سیاست‌گذار، مؤسسات آموزشی و فرهنگی و کارآفرینان نمونه کشوری در طراحی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع جهت رفع مشکلات موجود کارآفرینی می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید. بی‌تردید طراحی برنامه‌های آموزشی متنوع در حوزه‌های مختلف از فرهنگی تا اجتماعی و تخصصی با رویکردی جامع‌نگر در قالب طرح‌های توسعه‌ای بسیار اثرگذار خواهد بود.

۵ـ **طراحی و تدوین برنامه‌های مهارت محور در حوزه تربیت کارآفرینان روستایی**: به‌منظور افزایش میزان موفقیت صندوق‌های اعتباری و ارائه طرح‌های کسب‌وکار موفق در بین زنان روستایی، لازم است تا برنامه‌های تربیت نیروی کارآفرین و طرح‌نویسی با تأکید بر پتانسیل‌های منطقه‌ای و بر پایه خلاقیت و نوآوری به‌طورجدی پیگیری و اجرا گردد. دراین‌بین برگزاری کارگاه‌های چگونگی شروع کسب‌وکار، بازارمحوری، شناخت نیاز بازار، تولید بر اساس سلیقه بازار و ... برای جوانان روستایی ازجمله دختران تحصیل‌کرده روستایی که از انگیزه بالایی برای بهبود شرایط زندگی خود و خانواده برخوردارند، راهگشا به نظر می‌رسد تا به‌عنوان مشاوران کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار در محیط‌های روستایی به سایر علاقمندان خدمات آموزشی ارائه نمایند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

۶) منابع

- آراستی، زهرا، اکبری جوکار، محمدرضا، (۱۳۸۷)، **تحقیقی پیرامون ویژگی‌های کسب‌وکارهای زنان کارآفرین تحصیل‌کرده دانشگاهی و مشکلات آنان در راه‌اندازی کسب‌وکار**، دو ماهنامه علمی ـ پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شماره ۳۲، صص ۴۶ـ ۳۷.
- پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۶)، **نقش زنان در توسعه روستایی**، پژوهشنامه زنان و توسعه، گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی، سال ششم، شماره ۲، صص ۲۱-۱.
- تکمیل همایون، غلامحسین، (۱۳۹۹)، **دانشنامه ایران‌زمین**، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی و ارتباطات اسلامی.
- حاجی قربانی، مریم، (۱۳۸۹)، **راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران با توجه به تجربیات دیگر کشورها**، وزارت تعاون، معاونت پژوهش، کارآفرینی و تعاون، دفتر توسعه کارآفرینی و اشتغال.
- خسروی‌پور، بهمن، برادران، مسعود، عابدی، بهاره، (۱۳۹۵)، **آموزش کارآفرینانه در توسعه روستایی**، تهران، تحقیقات آموزش کشاورزی، چاپ اول، شماره ۲، صص ۲۵-۱۲.
- دادورخانی، فضیله، ۱۳۸۵، **توسعهٔ روستایی و چالش‌های اشتغال زنان**، مجله پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- دانایی‌فرد، حسن، آذر، عادل، دیده‌ور، فاطمه، (۱۳۸۹). **تدوین الگوی نهادی کردن کارآفرینی دربخش کشاورزی؛ زیربخش گلخانه‌داری**، مجله توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۷ـ۷.
- رضایی، روح‌الله، نجفی، بهمن، (۱۳۹۴)، **موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارهای خانگی در مناطق روستایی شهرستان ارومیه**، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۴۳۳-۴۵۱.
- رمضانی، لاوین، رحمانی، بیژن، شفیعی ثابت، ناصر، (۱۳۹۹)، **نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان دراقتصاد روستایی مورد: شهرستان بانه**، صص ۶۳-۴۳.
- زینلی، علی اشرف، عزمی، آئیژ، مرادی، امیدعلی، (۱۳۹۹)، **عوامل مؤثر بر توسعه تعاونی‌های دامداری روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره ۲، صص ۲۲ـ۱.
- سجاسی قیداری، حمدالله، یاراحمدی، میترا، (۱۳۹۹)، **تحلیل تاب‌آوری روستاییان در برابر بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌ها مورد: روستاهای شهرستان بینالود**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره دوم، صص. ۲۲۶-۱۹۹
- سیدی، تقی‌خانی، امیر، (۱۳۹۰)، **موانع توسعه کارآفرینی و نقش دولت در تسهیل توسعه کارآفرینی**، کار و جامعه. شماره ۱۳۵، شهریور ۱۳۹۰، صص ۳۵-۲۱.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم، محبوبی، محمدرضا، عربیون، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، **تبیین مؤلفه‌های توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی در استان گلستان**. فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱۲ـ۸۸.
- فقیه نصیری، مرجان، حسین‌پور، علی، (۱۳۹۲)، **بهبود فضای کسب‌وکار، پیش شرط رشد و توسعه اقتصادی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بهبود فضای کسب و کار در ایران**، فصل نهم؛ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فضای کسب و کار و توسعه فعالیت‌بخش خصوصی، تهران: ۱۴ آبان ۱۳۹۲، صص ۶۵۷ـ ۶۷۶.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

- قادرمرزی، حامد، جمشیدی، علیرضا، جمینی، داود، نظری سرمازه، حمید، (۱۳۹۴)، **شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان شلیل- شهرستان اردل)**، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- کریمی، حمید، حلاج، زینب، ولی‌زاده، ناصر، (۱۳۹۷)، **اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سلامت روان زنان روستایی و عشایری عضو صندوق‌های اعتبارات خرد (موردمطالعه: استان کرمان)**، پژوهش‌های روستایی. ۲۱۰-۲۲۱.
- لطیفی، سمیه، سعدی، حشمت اله، شعبانعلی فمی، حسین، (۱۳۹۲)، **تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی**، فصلنامه علمی ـ پژوهشی زن و جامعه، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۵۲ـ۲۹.
- محمدی، یاسر، عواطفی، فرشته، ضمیری آراسته، مینا، (۱۳۹۷)، **اثرات تأمین مالی خرد و توانمندسازی زنان روستایی در استان‌های کرمانشاه و همدان**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۷، شماره ۲۶.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۷)، **سالنامه آماری کشور**، تهران: انتشارات دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار ایران.
- موحدی، رضا، یعقوبی‌فرانی، احمد، (۱۳۹۳)، **تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی**. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، دوره دوازدهم، شماره ۴، صص ۷-۴۲.
- نامجویان‌شیرازی، زهرا، (۱۳۹۳)، **قابلیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک**. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. جلد اول، شماره ۳، صص۸۲-۶۵.
- همتی وینه، هانا، عابدی سروستانی، احمد، عبداله‌زاده، غلامحسین، محبوبی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، **اشتغال خانگی و موانع کسب‌وکار زنان: مطالعه‌ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه**. مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. ۲۳ آبان ۱۳۹۱، صص ۱۱-۱.
- یعقوبی فرانی، احمد، سلیمانی، عطیه، (۱۳۹۴)، **تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر موفقیت زنان روستایی کارآفرین در استان همدان**، زن در توسعه و سیاست، جلد سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۳۰.
- Akgün, A. A, Nijkamp, P, Baycan, T, and Brons, M, 2010, **Embeddedness of Entrepreneurs in Rural Areas: A Comparative Rough Set Data Analysis**. Tijdschrift voor conomische en Sociale Geografie, 101(5) , PP. 538-553.
- Alvarez, S.A., Barney, J.B,2014, **Entrepreneurial opportunities and poverty alleviation. Enterp**. Theory Pract. (January) , PP. 159–184.
- Amidzic, G., Massara, A. and Mialou, A,2014, **Assessing countries' financial inclusion - a new composite index**, IMF Working Paper No. WP/14/36, IMF
- Asian Development Bank, 2007, **Premoting Rural Women Entrepreneurship in Transition Economies**, Project Number: 40308, December 2007, Retrieved 5 DEC 2010 from http: //www.adb.org/.
- Bogdanovic, M, 2017, **Women entrepreneurship and access to capital**, Journal of Women's Entrepreneurship and Education, Nos 3-4, pp. 20-34.
- Cobb, J.A, Wry, T, Zhao, E.Y, 2016 , **Funding financial inclusion: institutional logics and the contextual contingency of funding for microfinance organizations.** Acad. Manag. J. 59, 2103–2131. http: //dx.doi.org/10.5465/amj.2015.0715.
- Department Trade and Industry of Republic of South Africa, 2005, **South African Women Entrepreneurs, a Special Report**, Retrieved 20 DEC 2010 from www.dti.org/.
- Ghani, E, Kerr, W. R, & O'Connell, S. D, 2014, **Political reservations and women's entrepreneurship in India**. Journal of Development Economics, 108, 138-153

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]

- Haider,J.L, Boonstra,W.J, Peterson, G.D, Schlüter, M, 2017, **Traps and Sustainable Development in Rural Areas: A Review**. Elsevier, World Development, World Development Volume 101, January 2018, Pp. 311- 321.
- Henshall Momsen, J, 2004, **Gender and Development**, Routledge, London and New york.
- International Finanace Corporation,2008, **Voices of women entrepreneurs in Tanzania, International Finance Corporation**, USA. Retrieved 20 DEC 2010 from www.publicprivatedialog.org/.
- Kelley, D., B. Baumer, C. Brush, P. Greene, M. Mah, M. Majbouri, M. Cole, M. Dean, and R. Haevlow , 2017, **Global Entrepreneurship Monitor 2016/2017 Report on Women's Entrepreneurship**, Wellesley, MA: Babson College.
- Koreen, M, 2001, **Women Entreprenuers in SMEs: Restablishing the Benefits of Globalization and the Knowledge- Based Economy**, Synthesis, Chapter 1, Women Entreprenuers in SMEs: Restablishing the Benefits of Globalization and the Knowledge-Based Economy, Second OECD Conference on Women Entrepreneurs in SMEs, Paris, 2001.
- Levent, T. B. and Nijcamp, P, 2006, **Migrant Female Entrepreneurship Driving Forces, Motivation and Performance.** Retrieved 5 DEC 2010 from www.imis.uni_osnabruek/
- Lourenço, F., Sappleton, N., Dardaine-Edwards, A., McElwee, G., Cheng, R., Taylor, D. and Taylor, A, 2014, **Experience of entrepreneurial training for women farmers to stimulate entrepreneurship in Uganda**, Gender in Management: An International Journal, Vol. 29 No. 7, pp. 382-401
- Ming-Yen, W. and Chong, S.C, 2008, **Improving Women Entrepreneurship in SMEs in Malaysia: Policy Recommendation**, Journal of communication of the IBIMA, VOL 2, 2008.
- Okafor, C. and Amalu, R, 2010, **Entrepreneurial Motivations as Determinants of Women Entrepreneurship Challengs**, Petroleum- Gas University of ploiesti Bulletin, Vol LXII, No: 2/2010, Pp 67-77.
- Pigford, A.-A.E.; Hickey, G.M.; Klerkx, L, 2018, **Beyond agricultural innovation systems? Exploring an agricultural**
- Rijkers, B. and Costa, R. 2012. **Gender and Rural Non-farm Entrepreneurship**. Policy Research Working Paper 6066. World Bank.
- Sharma, D, 2016, **Nexus between financial inclusion and economic growth: evidence from the emerging Indian economy**, Journal of Financial Economic Policy, Vol. 8 No. 1, pp. 13-36
- Welter, F, 2011, **Contextualizing Entrepreneurship—Conceptual Challenges and Ways Forward**, Entrepreneurship Theory and Practice. 35(1), 165–184.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.11.0]